



بررسی همه‌جانبه دیدگاه تراث دینی نسبت به «جوان» به‌وضوح در این مجال میسر نیست. در این فرصت تنها می‌کوشم تا به روشن‌شدن گوشه‌ای از زوایای بحث کمک کنم.

مراد از عبارت «تراث دینی» در عنوان نوشتار، دین در گستره تاریخی خویش است که اکنون چون میراثی به‌یادگار در دستان ما است.

پیداست که این «تراث» یک سیستم فکری و یا فلسفی نیست، اساساً سیستم (System) نیست. سیستم به این معنا که میانی از نتایج تفکیک شده‌باشد و جایگاه مطالب روشن‌شده دارای طبقه‌بندی و رده‌بندی باشد، بلکه به گنجینه‌ای ماند که لثالی آن به بند و نظم کشیده نشده‌است، و بر پژوهندگان است که این لثالی را منتظم سازند و از آن یک نظام و سیستم ارائه دهند.

به‌عنوان مثال در مورد موضوع بحث ما، دین اسلام با بعثت رسول خدا (ص) متولد شد و بر فراز زمان گسترش یافت به گونه‌ای که اکنون اسلام جهان پهناوری از عقاید، مراسم و مناسک و نیز فِزق و مسالک را شامل می‌شود که بخشی از این جهان پهناور تشیع است، تشیعی که خود نیز «بسط تاریخی» داشته. این که رسول خدا چگونه به مقوله «جوانی» می‌نگریسته و چه‌سان درباره جنبه‌های «فردی» و «اجتماعی» آن می‌اندیشیده، با جوان چگونه برخورد می‌کرده، تصمیمات او در ارتباط با جوان براساس کدامین بنیادهای نامرئی و مبانی ناپیدا استوار بوده، اساساً میزان توجه رسول خدا به مراحل رشد و به‌ویژه جوانی تا چه حد بوده، آیا در زمان رسول خدا پدیده‌ای

## نگاهی به «جوان» در تراث دینی

• سیدعلی طالقانی



به‌تام جوانان وجود داشته گرچه متناسب با آن زمان؟ دوران جوانی شخص رسول خدا چگونه گذشته و او خود درباره مسائل عمده‌ای که جوانان با آنها روبرویند، چون ازدواج و شغل چه‌سان تصمیم‌گیری و عمل کرده؟ همه سؤالاتی است که می‌توان در مورد رویکرد رسول خدا به جوان و جوانی مطرح کرد.

چنین سؤالاتی در مورد تک‌تک امامان، دانشمندان، خلفا، طبقات مختلف جامعه در طول این اعصار و در یک کلمه «دین در بسط تاریخی‌اش» قابل طرح است.

برای پاسخ‌گفتن به چنین پرسش‌هایی تنها می‌توان به آنچه از گذشته به میراث رسیده - تاریخ به‌معنای اعم کلمه - رجوع کرد، اما پرواضح است که پاسخ‌ها آماده و حاضر نیست و باید با جهد و کوشش از میان نقل‌های بسیار، مختلف و گاه به‌ظاهر نامربوط، پاسخی برای این سؤالات یافت و البته بسته به رویکردها و پیش‌فرض‌ها پاسخ‌های

مختلف شنید. پس از پاسخ‌گفتن به چنین سؤالاتی است که می‌توان دست به یک مطالعه تطبیقی زد، بدین‌گونه که نوع رویکرد به جوان را در میان شخصیت‌های بزرگ، اعصار مختلف، طبقات گوناگون، فرهنگ‌های مختلف اسلامی و یا فِزق گوناگون اسلامی مقایسه کرد، تفاوت‌ها و تشابه‌ها را دید، تغییرها را نگریست، علل تغییرات را کاوید، تأثیرات تغییر نگرش‌ها را نظاره کرد و ...  
با چنین تلاش‌هایی است که می‌توان



در مورد رویکرد دین - در بسط تاریخی اش - به جوان پاسخ‌های نظام‌مند و سیستماتیک (Systematic) شنید و اما روشن است که برای چنین مطالعاتی باید از قرآن آغاز کرد.

در سراسر قرآن از واژه جوان و جوانی خبری نیست، و اینکه چرا؟ خود پاسخی می‌طلبد. اما از طلیعه دوران جوانی با عناوین «بَلَّغْ أَشْده» (کمال بلوغ یا حد رشد) بلغوا النکاح (سن زناشویی) و بلغ الحلم (سن بلوغ) یاد شده است. چنین عناوینی مجموعاً در ۱۰ آیه قرآنی آمده است که همگی به سن بلوغ - که آن را می‌توان سرآغاز دوران جوانی دانست - اشاره دارد. عبارت «بلغ شده» در ۲ آیه، «یبلغ شده» در ۲ آیه، «لتبلغوا اشدکم» در ۲ آیه و «یبلغا اشدهما» در ۱ آیه و در مجموع این مضمون در ۸ آیه (۷ آیه مکی و ۱ آیه مدنی) آمده است. عبارت بلغوا النکاح در ۱ آیه (مدنی) و عبارت بلغ الحلم نیز در ۱ آیه (مدنی) به کار رفته است. علامه طباطبایی در بیان «بلغ شده» در ذیل آیه ۱۴ از سوره قصص می‌گوید: بلوغ‌الاشد آن است که انسان به سنی رسد که قوای او در آن سن به کمال و پختگی خود می‌رسد و غالباً در هجده سالگی است. روشن است که هجده سالگی طلیعه جوانی است.<sup>۱</sup>

ترتیب این آیات برحسب نزول سوره چنین است:<sup>۲</sup>

سوره | آیه

مکی | مدنی

ترتیب نزول | ترتیب مصحف

قصص | ۱۴

و لما بلغ اشدّه و استوی آئینه حکما و علما و كذلك نجزی المحسنین.

و چون (موسی) به رشد و کمال خود رسید، به او حکمت و دانش عطا کردیم و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم.

مکی

۲۸/۴۹

اسراء | ۳۴

و لا تقرّبوا مال الیتیم الا بالئی هی احسن حتی یبلغ اشدّه و اوفوا بالعهد ان العهد کان مسؤلاً.

و به مال یتیم - جز به بهترین وجه - نزدیک مشوید تا به رشد برسد و به پیمان [خود] وفا کنید زیرا که از پیمان پررش خواهد شد.

مکی

۱۷/۵۰

یوسف | ۲۲

و لما بلغ اشدّه آئینه حکما و علما و كذلك نجزی المحسنین

و چون به حد رشد رسید، او را حکمت و دانش عطا کردیم و نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم.

مکی

۱۲/۵۳

انعام | ۱۵۲

و لا تقرّبوا مال الیتیم الا بالئی هی احسن حتی یبلغ اشدّه، الآیه.<sup>۲</sup>

و به مال یتیم - جز به نحوی [هرچند نیکوتر] - نزدیک مشوید تا به حد رشد خود برسد ...

مکی

۶/۵۵

مؤمن | ۶۷

هو الذی خلقکم من تراب ثم من نطفة ثم من علقه ثم یخرجکم طفلاً ثم لتبلغوا اشدکم ثم لتکونوا شیوخاً و منکم من یتوفی من قبل و لتبلغوا اجلاً مستی و لعلکم تعقلون.

او همان کسی است که شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای، آنگاه از علقه‌ای و بعد شما را [به صورت] کودکی برمی‌آورد تا به کمال قوت خود برسید و تا سالمند شوید و از میان شما کسی است که مرگ پیش‌رس می‌یابد و تا [بالاخره] به مدتی که مقرر است برسید و امید که در اندیشه فرو روید.

مکی

۴۰/۶۰

احقاف | ۱۵

و وصینا الانسان بوالدیه احسانا حملته امه کرها و وضعته کرها و حمله و فصاله ثلثون شهرا حتی اذا بلغ اشدّه و بلغ اربعین سنة قال رب اوزعنی ان اشکر نعمتک الئی انعمت علیّ و علی والدیّ و ان اعمل صالحاً ترضه و اصلح لی فی ذریتی انی تبت الیک و انی من المسلمین.

و انسان را [تسبت] به پدر و مادرش به احسان سفارش کردیم. مادرش با تحمّل رنج به او باردار شد و با تحمّل رنج او را به دنیا آورد و باربرداشتن و از شیر گرفتن او سی ماه است، تا آنگاه که به رشد کامل خود برسد و به چهل سال برسد، می‌گوید: «پروردگارا بر دلم بیفکن تا نعمتی را که به من و به پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای، سیاس گویم و کار شایسته‌ای انجام دهم که آن را خوش داری و فرزندانم را برایم شایسته گردان؛ درحقیقت، من به درگاه تو توبه آوردم و من از فرمان‌پذیرانم».

مکی

۴۶/۶۶

کهف | ۸۲

و اما الجدار فکان لعلمین یتمین فی المدینة و کان تحته کتزلهما و کان ابوهما صالحاً فاراد ربک ان یبلغا اشدّهما



يستخرجا كثرهما رحمة من ربك و ما فعلته عن امرى ذلك تأويل ما لم تسطع عليه صبرا.

و اما ديوار، از آن دو پسر [بچه] یتیم در آن شهر بود و زیر آن گنجی متعلق به آن دو بود و پدرشان [مردی] نیکوکار بود، پس پروردگار تو خواست آن دو [یتیم] به حدّ رشد برسند و گنجینه خود را - که رحمتی از جانب پروردگارت بود - بیرون آورند و این [کارها] را من خودسرانه انجام ندادم. این بود تأویل آنچه که نتوانستی بر آن شکیبایی ورزی.

مکی

۱۸/۶۹

نساء | ۶

و ابتلوا الیتمی حتی اذا بلغوا النکاح فان آنستم منهم رشدا فادفعوا الیهم اموالهم و لا تأکلوها اسرافا و بدارا ان یکبروا، الآیة ۲. و یتیمان را بیازمایید تا وقتی به [سن] زناشویی برسند؛ پس اگر در ایشان رشد [فکری] یافتید، اموالشان را به آنان رد کنید و آن را [از بیم آنکه مبادا] بزرگ شوند، به اسراف و شتاب مخورید. دنباله آیه

مدنی

۴/۹۲

نور | ۵۹

و اذا بلغ الاطفال منکم الحلم فلیستذنوا کما استذن الذین من قبلهم، الآیة. و چون کودکان شما به [سن] بلوغ رسیدند، باید از شما کسب اجازه کنند؛ همان گونه که آنان که پیش از ایشان بودند، کسب اجازه کردند، دنباله آیه.

مدنی

۲۴/۱۰۲

حج | ۵

یا ایها الناس ان کتم فی ریب من البعث فانا خلقکم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم من مضغة مخلقة و غیر مخلقة لئین لکم و نقر فی الارحام ما نشاء الی اجل مسمى ثم نخرجکم طفلا ثم لنبغوا اشدکم و منکم من یتوفی و منکم من یرد الی ارضل العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئا، الآیة ۵. ای مردم، اگر درباره برانگیخته شدن در شکم، پس [بدانید] که ما شما را از خاک آفریده‌ایم، سپس از نطفه، سپس از علقه، آنگاه از مضغه، دارای خلقت کامل و [حیانا] خلقت ناقص، تا [قدرت خود را] بر شما روشن گردانیم و آنچه را اراده می‌کنیم تا مدتی معین در زحمات قرار می‌دهیم. آنگاه شما را [به صورت] کودک بیرون می‌آوریم، پس احیای شما را ادامه می‌دهیم؛ تا به حدّ رشدتان برسید و برخی از شما [از درس] می‌میرد و برخی از شما به غایت پیری می‌رسد به گونه‌ای که پس از دانستن [پسی چیزها] چیزی نمی‌داند، دنباله آیه.

مدنی

۲۶/۱۰۳

محتوای این آیات در ۵ طبقه قابل تقسیم است:

۱. اعطای حکمت / تقویت و دانش به دو تن از پیامبران (موسى و یوسف) در ستین جوانی. حضرت یوسف در عقوان جوانی و حضرت موسی در میانه آن.<sup>۴</sup> (قصص / ۱۴ - یوسف / ۲۲)
۲. اموال یتیمان، هنگام بلوغ در اختیارشان قرار می‌گیرد. اسراء / ۳۴ - انعام / ۱۵۲ - کهف / ۸۲ - نساء / ۶.
۳. خداوند روند خلق و رشد انسان از طفولیت تا پیری و مرگ را به عنوان آیه قدرت خویش به بندگان یادآور می‌شود.

این که رسول خدا چگونه به مقوله «جوانی» می‌نگریسته و چه سان درباره جنبه‌های «فردی» و «اجتماعی» آن می‌اندیشیده، با جوان چگونه برخورد می‌کرده، تصمیمات او در ارتباط با جوان براساس کدامین بنیادهای نامرئی و مبانی ناپیدا استوار بوده، اساساً میزان توجه، رسول خدا به مرامل رشد و به‌ویژه جوانی تا چه مد بوده، آیا در زمان رسول خدا پدیده‌ای به نام جوانان وجود داشته که متناسب با آن زمان؟ دوران جوانی شفاف رسول خدا چگونه گذشته و او خود درباره مسائل عمده‌ای که جوانان با آنها روبرویند، چون ازدواج و شغل چه‌سان تصمیم‌گیری و عمل کرده؟ همه سؤالاتی است که می‌توان در مورد رویکرد رسول خدا به جوان و جوانی مطرح کرد.



(مؤمن / ۶۷ - حج / ۵)

۴. خداوند انسان را نسبت به پدر و مادر خویش سفارش به احسان می‌کند و رنجی که مادر از بارداری تا رشد کامل او بر خود هموار کرده را، به انسان گوشزد می‌کند. (احقاف / ۱۵)
  ۵. فرزندان بالغ باید در اوقات سه‌گانه (پیش از نماز صبح - هنگام ظهر و پس از نماز عشا) برای ورود بر پدر و مادرشان اجازه بگیرند چرا که به گفته قرآن (نور / ۵۸) «سه هنگام برهنگی شماست» «ثلث عورات لکم». (نور / ۵۹)
- بنابراین:
- الف. به حکم مطلب نخست، با آغاز



جوانی، هر انسان متناسب با استعدادهایش توان برعهده گرفتن مسؤولیت‌های جدید و گاه خطیر را می‌یابد و نباید جوانی به خودی خود مانعی برای برعهده گرفتن مسؤولیت‌های خطیر و کلان باشد. دو پیامبر در جوانی حکم نبوت را اخذ می‌کنند. حضرت یوسف در عنفوان جوانی چنین وظیفه سنگینی را برعهده می‌گیرد. روشن است که گذشته از آنکه او در این سن توان پذیرش چنین مسؤولیتی را داشته، جوانی او مانعی برای آنکه چنین وظیفه‌ای را برعهده او بگذارند، نشده است. از این رو در صورتی که جوان توانایی پذیرش مسئولیتی هرچند بسیار بزرگ را داشته باشد، باید به او اطمینان کرد و از واگذاری مسؤولیت به او نهراسید. چنین حکمی مورد تأیید سیره عملی رسول خدا نیز هست. او به جوانان اعتماد می‌کرد و مسؤولیت‌ها را به جوانان توانمند می‌سپرد.

۱. رسول خدا در جریان جنگ حنین «عتاب بن اسید بن ابی العیص» را که جوانی در حدود بیست‌ساله بود، بر اهل مکه امیر قرار داد<sup>۸</sup> و به او امر فرمود که با مردم نماز گذارد. او اول امیری بود که پس از فتح در مکه اقامه نماز جماعت کرد.<sup>۹</sup> پس از پایان جنگ و فراغت از کار تقسیم غنائم حنین و آزاد کردن امیران هوازن، رسول خدا با احرام عمره به مکه آمد و پس از انجام عمره امارت «عتاب بن اسید» را تصدیق فرمود و خود به سوی مدینه رهسپار شد. در آن سال عتاب بن اسید با مردم حج گذارد.<sup>۱۰</sup> از رسول خدا نقل شده که فرمود: «و لا یحتج محتج منکم فی مخالفته بصغر سنه فلیس الاکبر هو الافضل، بل الافضل هو الاکبر».<sup>۱۱</sup>

۲. پس از نخستین بیعت عقبه در ذوالحجه سال ۱۲ بعثت که ۱۲ نفر از انصار در موسم حج، در عقبه منی با رسول خدا بیعت کردند - رسول خدا مصعب بن عمیرین هاشم را که آن روز جوانی نارس بود، به عنوان نماینده خود همراهشان به مدینه فرستاد. در نخستین نماز جمعه مدینه به روایتی «مصعب بن عمیر» پیش نماز بود. مصعب دست در کار دعوت مردم بود تا کار انتشار اسلام در مدینه، به جایی رسید که در هر محله از محله‌های انصار، مردانی و زنانی مسلمان بودند.<sup>۱۲</sup>

۳. رسول خدا در آخرین روزهای حیات خود، مسلمین را برای جنگ با کشور نیرومند روم آماده می‌کرد، تمام افسران ارشد و امرای ارتش، کلیه بزرگان مهاجر و انصار، رجال و شخصیت‌های عرب در میان این لشکر عظیم بودند. رسول خدا اسامه بن زید را که در آن هنگام هجده ساله بود، به فرماندهی این سپاه عظیم برگزید و پس از اعتراض گروهی از سپاه، با ناراحتی بر منبر فراز آمد و پس از حمد و ستایش خدای فرمود: درباره فرماندهی اسامه چه گفته‌ای از برخی شما به من رسیده است؟<sup>۱۳</sup> اگر هم اکنون بر اسامه طعن می‌زنید، پیش از این نیز بر پدرش طعن می‌زدید اما به راستی که هردو شایسته فرماندهی‌اند.<sup>۱۴</sup>

ب. به حکم مطلب دوم، با آغاز جوانی، زمان استقلال اقتصادی فرا می‌رسد چرا که به گفته این آیات چهارگانه باید اموال جوان را به او رد کرد و از آن پس دیگران اجازه دخالت ندارند.

ج. نیز به حکم مطلب دوم، با آغاز جوانی، دوران آزادی عمل فرا می‌رسد و جوان آزاد است که در حوزه قانون به

خواست خود، در اموال خویش تصرف کند. آیا آزادی عمل در حوزه اقتصاد ملازم با آزادی عمل در حوزه اجتماع نیست؟ بنابراین، «به جوانان توانمند اعتماد کنیم» و «استقلال اقتصادی» و «آزادی عمل» آنها را محترم شماریم.

#### پی‌نوشت‌ها:

۱. ر. ک. میزان / ج ۱۶ / ص ۱۴ نیز ج ۱۱ / ص ۱۱۸ (ط. اعلی).
۲. ترتیب آیات را برحسب نزول سوره آوردیم تا سیر نزول آیات مشخص شود و امکان تطبیق برای خواننده باشد و قیض و بسط آیات و سیر تدریجی آن را بنگردد ترجمه‌ها همه از دکتر محمد مهدی فولادوند است. ماخذ ستون‌های حکمی و مدنی و ترتیب نزول / ترتیب مصحف این است: قرآن کریم: ترجمه توضیحات، واژه‌نامه، بهاء‌الدین خزّاشی / صص ۶۱۳-۶۱۱.

۳ و ۴ و ۵. از آن‌جا که دنباله آیه به مطلبی دیگر می‌پردازد و ربطی به موضوع بحث ندارد، در ذکر نیآوردیم. آیه طولانی است.

۶. در آیه ۱۴ سوره قصص که مربوط به حضرت موسی است، آمده است: «ما بلغ اشد استوی، علامه طباطبائی از کلمه «واستوی» استفاده می‌کند که در میانه جوانی بوده است.

ر. ک. میزان / ج ۱۱ / ص ۱۱۸ (ط. اعلی).

۷. ر. ک. میزان / ج ۱۱ / ص ۱۱۹.

۸. ر. ک. تاریخ پیامبر اسلام - محمدابراهیم آیتی / ص ۵۸۴ نیز اسدالغایه / ج ۴ / ص ۳۶۹.

۹. ر. ک. اسدالغایه / ج ۴ / ص ۳۶۹.

۱۰. ر. ک. تاریخ پیامبر اسلام - آیتی / ص ۶۰۸.

۱۱. هیچیک از شما جوانی عتاب را اساس اعتراض قرار ندهد زیرا ملاک فضیلت انسان، بزرگی سن نیست بلکه به عکس، ملاک بزرگی انسان، فضیلت اوست.

ر. ک. الحدیث - روایات تربیتی / ج ۱ / ص ۲۲۶.

۱۲. ر. ک. تاریخ پیامبر اسلام - آیتی / صص ۱۸۱؛ ۱۸۳؛ ۱۸۵.

۱۳. ر. ک. بحارالانوار / ج ۶ / ص ۶۷۰.

۱۴. تاریخ یعقوبی - ترجمه محمدابراهیم آیتی / ج ۱ / ص ۵۰۹.